

کارکرد ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبک رمانهای برگزیده زنان معاصر دهه ۸۰ تا ۹۰

فاطمه حسن‌زاده، سید علی‌اکبر شریعتی فر*، سعید روزبهانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

سال هفدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۵، صص ۱۱۷-۱۳۴

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7202

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از شگردهای ارزیابی و بررسی نوین آثار ادبی است که به کمک آن میتوان متون ادبی اعم از شعر و داستان را با ظرافت و دقت بیشتر و افزونتری مورد تحلیل و واکاوی قرار داد. این شیوه از سبک‌شناسی با تکیه بر دانش سبک‌شناسی سنتی و کلاسیک، متون را در حیطه پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک واکاوی و تحلیل مینماید. در میان لایه‌های پنجگانه مطرح‌شده، لایه ایدئولوژیک اثر را از حیث احساسات، باورها، اندیشه و ایدئولوژی که حمل مینماید در سه سطح واژگانی، نحو و بلاغت مورد بررسی قرار میدهد. داستان‌نویسان زن معاصر در فاصله دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ خورشیدی با بهره‌گیری از نوعی ادبیات اعتراضی بازتاب‌دهنده مسائل و مشکلات اجتماعی زنان و کاستیهای موجود است که این مسئله را میتوان بخوبی در سطوح یادشده ایدئولوژیک این داستانها مشاهده نمود. هدف بررسی پیش‌رو تحلیل و واکاوی سطح ایدئولوژیک داستانهای معاصر نویسندگان زن در دهه ۸۰ تا ۹۰ خورشیدی است.

روش پژوهش: این جستار به شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی و سندکاوی انجام خواهد شد. جامعه آماری پژوهش پیش رو گزیده‌ای از داستانهای معاصر نویسندگان زن در دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ شامل فریبا وفی، زویا پیرزاد، شهرنوش پارس‌پور و منیرو روانی‌پور میباشد. **یافته‌های پژوهش:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در میان نویسندگان زنان دهه ۸۰ تا ۹۰ با توجه به آثار برگزیده و منتخب از فریبا وفی، زویا پیرزاد، شهرنوش پارس‌پور و منیرو روانی‌پور زبان در خدمت القای ایدئولوژی به مخاطب است.

نتیجه‌گیری: با توجه به بررسی سبکی در لایه ایدئولوژیک در آثار نویسندگان مطرح‌شده، ایدئولوژی در هر سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی منعکس شده است. در لایه واژگانی کاربرد کلماتی که نشان از اهتمام به بالا بردن جایگاه زن یا اندوه آنان از وضعیت رقت‌بار زن در جامعه، در لایه نحوی کاربرد و ساختار جملات کوتاه و پیاپی که نشان از اضطراب و پریشانی شخصیت زن در داستان دارد و در لایه بلاغی تصاویری که بصورت تشبیهی، کنایی، و... بازتاب‌دهنده عقاید، باورها و نظریات نویسندگان زن، پیرامون وضعیت و شرایط زنان جامعه است، قابل مشاهده میباشد.

تاریخ دریافت: ۰۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۰۴ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۲۰ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۰۳ مرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

ایدئولوژی، داستان‌نویسان زن معاصر، سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی.

* نویسنده مسئول:

shariatfar@iaus.ac.ir

۴۴۶۴۶۸۱۰ (۰۹۸ ۵۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Ideological function in highlighting the style of selected contemporary women's novels from the 80s to 90s

F. Hassanzadeh, S.A. Akbar Shariatifar, S. Rozbahani

Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 21 April 2023

Reviewed: 25 May 2023

Revised: 10 June 2023

Accepted: 25 July 2023

KEYWORDS

Ideology, contemporary female fiction writers, layered stylistics, lexical layer, Syntactic layer, rhetorical layer.

*Corresponding Author

✉ shariatifar@iaus.ac.ir

☎ (+98 51) 44646810

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Layered stylistics is one of the new ways of evaluating and examining literary works, with the help of which literary texts, both poetry and fiction, can be analyzed and analyzed more delicately and accurately. Based on the knowledge of traditional and classical stylistics, this method of stylistics examines and analyzes texts in the five layers of phonetic, lexical, syntactic, rhetorical and ideological. Among the five layers mentioned, the ideological layer examines the work in terms of feelings, beliefs, thought and ideology that it carries in three levels of vocabulary, syntax and rhetoric. Contemporary female storytellers between the 1960s and 1990s, using a kind of protest literature, reflect the problems and social problems of women and the existing shortcomings, which can be well seen in the ideological levels of these stories. The purpose of the upcoming review is to analyze and analyze the ideological level of contemporary stories of female writers in the 80s to 90s

METHODOLOGY: This research will be done in the library method and the descriptive-analytical method. The statistical population of the present research is a selection of contemporary stories by female writers in the 60s to 90s, including Fariba Vafi, Zoya Pirzad, Shahrenoush Parsipour, and Muniro Ravipour.

FINDINGS: The findings of the research indicate that among the women writers of the 80s and 90s, according to the selected works of Fariba Vafi, Zoya Pirzad, Shahrnush Parsipour and Muniro Roufanipour, language is in the service of inducing ideology to the audience.

CONCLUSION: According to the stylistic examination of the ideological layer in the works of the mentioned authors, ideology is reflected in all three lexical, syntactic and rhetorical layers. In the lexical layer, the use of words that show the effort to raise the status of women or their sorrow over the pitiful situation of women in society, in the syntactic layer, the use and structure of short and consecutive sentences that show the anxiety and distress of the female character in the story, and in the rhetorical layer, images which is allegorical, ironic, etc., reflecting the opinions, beliefs and ideas of women writers, about the status and conditions of women in the society, can be seen.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7202](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7202)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 30	 0	 0

مقدمه

سبک‌شناسی لایه‌ای^۱، دانش مطالعه و بررسی متن براساس لایه‌های گوناگون آن اثر است. دانش سبک‌شناسی بر مطالعه زبان براساس لایه‌های پنجگانه استوار است. سبک‌شناسی لایه‌ای با توجه به دو سطح خردلایه‌ها و کلان‌لایه‌ها، واحدهای زبانی را از سطوح کوچک تا کلان بررسی مینماید. «در روش لایه‌ای بر خلاف سبک‌شناسی تاریخی-سنتی که در آن جمله، واحد تحلیل سبک به شمار می‌آید، با توجه به ساختار باز لایه‌ای متن، نه تنها نوشتار بعنوان واحد تحلیل در نظر گرفته میشود، بلکه این قابلیت وجود دارد تا مشخصه‌ها و تمایزات سبکی یک نوشتار، نویسنده، ژانر یا دوره و سهم هر لایه در کشف ایدئولوژی متن در سطح کلان لایه نیز تعیین گردد» (درپر، ۱۳۹۳: ص ۱۱۵). آنچه که در سبک‌شناسی لایه‌ای حائز اهمیت است آنکه به کمک این شیوه، پژوهشگر سبک‌شناسی، این امکان را مییابد که برجستگیهای معنادار زبانی و فکری یک اثر را در سطوح خرد و کلان با دقت و ریزبینی مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

جهانبینی خاصی که در یک اثر هنری و ادبی دیده میشود، حاصل ایدئولوژی است؛ مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها و هر آنچه در سایه این بایدها و نبایدها تعریف میشود، تحت تأثیر ایدئولوژی موجود در متن حاصل میگردد. ایدئولوژی‌گرایی امری مختص دین، مذهب یا... نیست و از آنجا که همه شاعران و هنرمندان و نویسندگان از بطن جامعه برخاسته‌اند و آن جامعه، در چهارسوی خود، آموزه‌ها و نگرشهای خاصی را به بافت اصلی جامعه تحمیل میکند، از این رو گزاره‌های اندیشگانی و ایدئولوژیک هر جامعه، تحت تأثیر عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، بایدها، نبایدها و نوع نگرش افراد به مسائل دنیای پیرامون، شکل میگیرد. اگر ایدئولوژی را همان «محتوا» بدانیم باید بگوییم هر اثر بنوعی محتوای خود را منعکس میکند و از میان انواع گوناگون ادبی، داستان و رمان بستر بسیار مناسبی به منظور انعکاس ایدئولوژی غالب در بطن جامعه و فرهنگ آن است. داستان معاصر از جمله عرصه‌هایی است که میتواند به لحاظ ایدئولوژیکی بخش وسیعی از هویت فردی و اجتماعی افراد جامعه از جمله زنان را به تصویر بکشد، از این رو میتوانیم این گونه ادبی را بعنوان منبع قابل اطمینان و اعتمادی به لحاظ فراهم آوردن داده‌های ایدئولوژیک در شناخت و تحلیل موقعیت زنان بویژه نگرش نویسندگان زن به جهان پیرامون و واکاوی ایدئولوژی و اندیشه غالب در آثار آنان نسبت به مسائل و مشکلات گوناگون به شمار آوریم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نویسندگان زن بسیاری توانستند در حیطه داستان‌نویسی و انعکاس مسائل و مشکلات زنان آثار ارزشمندی را پدید آورند. اگرچه ایدئولوژی غالب در این رمانها را نمیتوان آینه تمام‌نمای جامعه به حساب آورد، اما دستکم میتوان آن را بازتابی از آمال، آرزوها یا مصائب و دغدغه‌های زنان دانست و آنچه که مسلم است اینکه رمان بعنوان یک محصول فرهنگی، برگرفته از ایدئولوژی نویسنده است که براساس اصول سبک‌شناسی لایه‌ای در سه حیطه واژگانی، بلاغت و نحو منعکس میگردد. بر این اساس مسئله اصلی در جستار پیش رو بررسی لایه ایدئولوژیک در آثار شاخص رمان‌نویسان زن از دهه ۸۰ تا ۹۰ خورشیدی میباشد؛ پرسش اصلی جستار حاضر آن است که به این مسئله اصلی پاسخ داده شود که انعکاس ایدئولوژی در آثار مورد بررسی رمان‌نویسان زن دهه ۸۰ تا ۹۰ در کدام لایه‌های خرد اعم از واژگانی، بلاغی و نحوی نمود بیشتری دارد؟ براساس پرسش پیش‌رو، فرضیه حاضر آن است که ایدئولوژی در هر سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی منعکس شده است.

۱. Layer stylistic

روش پژوهش

پژوهش حاضر گزارشی است از یک بررسی و مطالعه کتابخانه‌ای به شیوه سندکاوی و بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و استقرایی که نویسندگان سعی نموده‌اند با مطالعه آثار و رمانهای برجسته رمان‌نویسان زن معاصر یعنی نویسندگانی که آثار آنها هم به جهت اقبال و توجه عمومی و رهیافت مخاطب‌پسندانه و نیز به جهت دریافت جویز ادبی و تحلیلهای نقادانه و علمی، مورد توجه و مقبول اهل فن بوده است به بحث و بررسی این آثار در طی دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ خورشیدی از جهت سبک‌شناسی لایه ایدئولوژیک خواهیم پرداخت. این پژوهش از ارائه نظرهای جامعه‌شناسانه با رویکرد خاص تا حدود بسیار زیادی خودداری نموده است و به اقتضای موضوع، لایه ایدئولوژیک را در سه سطح واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی مینماید. لازم به ذکر است روش استدلالی در این پژوهش، بصورت استقرایی و تحلیلی است. در واکاوی داده‌ها از روش کیفی بهره برده‌ایم و از ارائه آمار خودداری نموده‌ایم.

ضرورت و هدف پژوهش

براساس جستجوی نگارندگان تاکنون هیچ پژوهشی درخصوص لایه ایدئولوژیک در راستای برجسته‌سازی رمانهای برگزیده زنان معاصر دهه ۶۰ تا ۹۰ خورشیدی صورت نگرفته است، از این رو پژوهش حاضر نخستین اثری است که به مطالعه این موضوع بصورت دقیق و همه‌جانبه پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش شناخت شاخصه‌های سبکی این نویسندگان در لایه کلان ایدئولوژیک و خردلایه‌های واژگانی، نحوی و بلاغی است تا دریابیم که نویسندگان چگونه به انعکاس اندیشه خود پرداخته‌اند.

جنبه نوآوری پژوهش

پژوهش پیش‌رو نظریه بنیاد است و براساس نظریه سبک‌شناسی لایه‌ای (سبک‌شناسی نوین) انجام خواهد شد. تجزیه و تحلیل کلان‌لایه ایدئولوژیک و خردلایه‌های متنی در داستان، راهی است برای نشان دادن سبک فکری گسترش‌یافته در متن ضمن اینکه با به‌کارگیری این شیوه در تجزیه و تحلیل رمانهای معاصر از نویسندگان زن، میتوان به درک و دریافت عمیقتری از متن - بعنوان اصلیتین و مهمترین هدف دانش سبک‌شناسی - دسترسی پیدا کرد و در کنار آن به گزاره‌های ایدئولوژیک حاوی مؤلفه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی است که خود زمینه‌ساز درک بهتر اجتماع و تأثیر و تأثر متن و جامعه بعنوان دو گزاره برهم‌کنش از یکدیگر است. از آنجا که تاکنون پژوهشی درخصوص سبک‌شناسی در لایه ایدئولوژیک براساس آثار شاخص رمان‌نویسان زن معاصر صورت نگرفته است و موضوع این مقاله تازه و بدیع است و میتواند راهگشای تحلیلگران و منتقدان ادبیات معاصر در حیطه داستان‌نویسی باشد.

پیشینه پژوهش

درپر (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی انتقادی» ضمن تبیین و تحلیل روش سبک‌شناسی لایه‌ای، به توضیح مفاهیمی مانند قدرت و ایدئولوژی در این شیوه بررسی سبکی پرداخته است. شهری (۱۳۹۱) در مقاله «پیوند میان استعاره و ایدئولوژی» ارتباط جنبه‌های ایدئولوژیک یک اثر را در خلق تصاویر خیال‌انگیز با تکیه بر استعاره مورد تحلیل قرار داده است. دلبری و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «غزل نوکلاسیک و لایه‌های ایدئولوژیک سبک در آن» با تکیه بر دانش سبک‌شناسی لایه‌ای، نمونه‌های موردی را در سه سطح واژگانی، بلاغی و نحوی

بررسی نموده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که ایدئولوژی پنهان در یک اثر، در تمامی سطوح یادشده نمود یافته است. مهری و دلبری (۱۳۹۴) در مقاله «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر» به این نتیجه رسیده‌اند که بیهقی در اثر ارزشمند خویش ادعای بی‌طرفی دارد، اما بصورت ناخودآگاه به طرفداری و جانبداری از برخی اصول و اندیشه‌ها پرداخته است که نتیجه آن در لایه ایدئولوژیک در سه سطح واژگان، نحو و بلاغت بخوبی هویداست. مهری و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد لایه ایدئولوژی در برجسته‌سازی غزل اجتماعی معاصر» نشان داده‌اند که ایدئولوژی در لایه‌های واژگانی و بلاغی، نسبت به لایه نحوی، در غزل معاصر بیشتر نمود یافته است.

مفهوم ایدئولوژی در سبک‌شناسی لایه‌ای

ایدئولوژی، اصطلاحی است که بصورت بنیادین و اساسی در سبک‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. این اصطلاح در علوم اجتماعی، رسانه‌های جمعی و علوم سیاسی نیز کاربرد فراوانی دارد. فتوحی معتقد است اصطلاح ایدئولوژی نخستین بار توسط «دستوت دوتراسی»^۱ فیلسوف فراسوی در پایان هجدهم (۱۷۹۶ م) به جهت توصیف اندیشه‌ها و عقاید گروه خاص مورد استفاده قرار گرفته است و از آن به بعد بصورت معنادار و پیوسته‌ای به یکی از بحث‌برانگیزترین مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی تبدیل شده است (ر.ک. فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۰: ص ۳۴۶). ایدئولوژی از دایره شمول و وسعت بسیاری برخوردار است تا جایی که میتوان آن را معادل فرهنگ در یک جامعه به حساب آورد. ایدئولوژی «نظامی از انگاره‌هایی است بصورت بسیار درهم‌تنیده و سازمان‌یافته، شرایط و موقعیت یک جامعه یا گروه را تفسیر و تبیین میکند. این نظام جدا از مثبت بودنش تحت تأثیر ارزشهای پذیرفته‌شده و بایدها و نبایدها، کنشهای اجتماعی را بطور خودآگاه و یا کاملاً ناخودآگاه بر بافت جامعه تحمیل میکند» (علوی مقدم و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۶). لایه ایدئولوژیک از این جهت در متون مختلف دارای اهمیت است که با بافت کلام برای خلق اثر ارتباطی تنگاتنگ دارد. این لایه در هر زمان، اقتضای تولید متنی خاص را دارد؛ به تعبیر دیگر زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در هر عصر و دوره‌ای، میتواند نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع تولید یک اثر اعم از ادبی، هنری و... داشته باشد. «ادبیات عرصه حضور ایدئولوژیهاست. ادبیات درواقع، واقعیت اجتماعی را به شیوه‌ای تقریباً مستقیم بازتاب [میدهد] یا بازآفرینی میکند، یا دستکم باید بکند» (ایگلتن، ۱۳۸۳: ص ۷۵؛ ر.ک. دلبری و مهری، ۱۳۹۴: ص ۶۵). پس هنگامی که از انعکاس ایدئولوژی در یک اثر سخن میگوییم، بحث از خوبی و بدی یا بایدها و نبایدها نیست، بلکه بحث در این است که این ایدئولوژی حاکم بر نویسنده و جامعه بعنوان عاملی فرامتنی چگونه در اثر نمود یافته است؛ انعکاسی که هرچقدر هم نویسنده تلاش کند آن را پنهان سازد، باز هم ردپای آن را میتوان در یک اثر مشاهده نمود و شاید از همین روست که رولان بارت^۲ (۱۹۱۵ - ۱۹۸۰ م) معتقد است «منزویترین شاعر یا نویسنده یعنی آنکه بیش از همه به حدیث نفس متوسل میشود و هرگز نگاه پرسش‌آمیز خود را به سوی جامعه نمی‌افکند و ادبیات را ذات مجردی جدا از فعل و انفعالات اجتماعی میپسندد، باز هم دستکم از حیث نگارش به جامعه خود بستگی تام دارد» (همان). ایدئولوژی را نظامی از قضاوت‌های روشن، منسجم و سازمان‌یافته به شمار می‌آورند که جهت توصیف، بررسی، تبیین و استنتاج یا توجیه شرایط و موقعیت یک گروه

1. Dedtu de tracy

2. Roland Batthes

خاص یا جامعه به کار میرود. «ایدئولوژی اساساً از ارزشها نشئت میگیرد و رهنمون دقیقی برای عمل تاریخی این گروهها یا جامعه ارائه میدهد» (بشلر، ۱۳۷۰: ص ۷).

جایگاه ایدئولوژی در بررسی سبکی و تجزیه و تحلیل متن چنان مورد توجه است که برخی بر این باورند که آنچه که یک متن را شکل میدهد، جهان‌بینی حاکم بر آن ایدئولوژی است و از این رو میتوان گفت هیچ متنی وجود ندارد که خنثی و خالی از ایدئولوژی باشد، بلکه همه متون دارای سطوحی از باورهای ایدئولوژیکی و تفسیریند (ر.ک. آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ص ۱۸۳). ایدئولوژی به دو صورت در یک اثر بازتاب مییابد و از این نظر با دو گونه متن مواجه هستیم؛ یا آنکه این بازتاب بصورت کاملاً شفاف و آشکار است که نشان از تعلق متن به یک گروه اجتماعی خاص دارد و میتوان مبنای ایدئولوژیکی آن گروه یا گفتمان خاص را در سطوح مختلف آن مشاهده نمود؛ در حالت دوم این بازتاب محسوس نیست در این صورت با متونی سروکار داریم که ایدئولوژی در آنها بصورت ضمنی و پوشیده حضور دارد و یافتن آن دقت و توجه خاصی را میطلبد. در گروه دوم، مفاهیم و ارزشهای ایدئولوژیکی غالباً به کمک شگردهای بیانی ضمنی یا صناعات ادبی و ابهامهای هنری پنهان شده است؛ بر این اساس برای دستیابی به ایدئولوژی یک متن سه سطح از بررسی پیشنهاد میشود: ارزیابی ایدئولوژی در لایه‌های واژگانی، نحوی و بلاغی (ر.ک. فتوحی رودمجنی، ۱۳۹۰: ص ۳۵۰ - ۳۵۴).

تحلیل و تبیین نمونه‌ها و داده‌ها

ایدئولوژی در لایه واژگانی

متن را میتوان گفتگوی نویسنده و مخاطب به حساب آورد. گفتگویی که در اصل جهان ذهنی نویسنده و تجربیات او را به خواننده منتقل میکند. رسالت متن آن است که از طرق گوناگون با بهره‌گیری از واژگان، نحو یا بلاغت ایدئولوژی و اندیشه صاحب اثر را منتقل کند. در میان این عوامل اولین راه ارتباطی نویسنده یا شاعر با مخاطب، بر مبنای واژگان انتخابی اوست که تا این معنا که تا پیش از قرائت واژگان در یک اثر، مخاطب و خواننده هیچگونه ذهنیتی نسبت به اثر و به تبع آن اندیشه‌ای که در پس آن نهفته است، ندارد. از این رو آسانترین راه دستیابی به آگاهی یک شاعر از طریق واژه‌هایی اتفاق می‌افتد که محور گفتگو قرار میگیرد و ارتباط میان خواننده و صاحب اثر را برقرار میسازد. مخاطب تا حدود بسیار زیادی میتواند طبق واژه‌های مورد استفاده در یک متن، ذهنیت صاحب اثر را دریابد؛ حال این امر یا به صراحت دریافت میشود یا کندوکاو بیشتری را طلب میکند. آنچه که از بررسی رمانهای مورد نظر در لایه ایدئولوژیکی به دست آمده از ابتدای انقلاب مشروطه زنان سهم بزرگی در بیداری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت ایران داشتند. پس از انقلاب مشروطه فضای سیاسی-اجتماعی ایران تا حدود بسیار زیادی باز شد و مبارزه علیه تبعیض، رفع خشونت علیه زنان، امید به بهبود شرایط اجتماعی آنان و تلاشهای مستمر زنان دوشادوش مردان در عرصه‌های گوناگون اندک‌اندک زمینه‌ساز تغییرات اساسی در لایه‌های مختلف زندگی ایرانیان بخصوص زنان شد. از انقلاب مشروطه به بعد جنبشهای مختلفی در دفاع از حقوق زنان و حمایت از آنها در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و... پدید آمد. نشریاتی چون «جهان زنان»، «جهان نسوان» و... که تلاش همگی آنها، تغییر دیدگاه جامعه نسبت به زنان و نقش کلیشه‌ای آنان بود. همزمان با تحولات انقلاب اسلامی در سال ۵۷، رویکردهای متفاوتی در خصوص حضور زنان در عرصه‌های ادبیات مورد توجه قرار گرفت مباحث تازه‌ای چون فعالیت اجتماعی زنان در نبود مردان در سالهای همزمان با دفاع مقدس و پس از آن با پایان جنگ تحمیلی و دغدغه رفع موانع تبعیضی و جنسیتی در خصوص جایگاه زن در جامعه، خانواده، مبارزه با مردسالاری، تحصیل و سوادآموزی،

اشتغال زنان و... همگی از جمله مباحثی بود که جریانی اعتراضی را در میان نویسندگان زن رقم زد. «این تلاشها در جهت کشف هویت و فردیت زن بعنوان موجودی مستقل از مرد با تکیه و تأکید بر نقش اجتماعی و روحیات و درونیات زنان سبب پدید آمدن داستانهایی زن محور بویژه در میان نویسندگان زن در ادبیات شد تا سیمایی از جایگاه زنان در محیط خانواده و اجتماع ارائه دهند که برخلاف ادبیات کلاسیک و مسائلی چون بیهودگی، شیءوارگی، بی‌ارادگی، انفعال، ضعف زنانه و... باورهای خوانندگان را در جهت تقویت ارزش و جایگاه زن مورد هدف قرار داده و به برجسته‌ساختن و گوشزد کردن حقوق فردی و اجتماعی زنان و ارائه تصویری از زن در قالب و نقشهای جدید و توجه به راهکارهایی به منظور بهبود اوضاع زنان بپردازند» (ستاری، ۱۳۹۰: ص ۹۳).

در فاصله سالهای ۱۳۶۰ تا اواسط دهه ۱۳۹۰ سهم زنان در عرصه‌های گوناگون از جمله خلق آثار داستانی بسیار قابل توجه است. شهرنوش پارسی‌پور، منیرو روانی‌پور، زویا پیرزاد، فریبا وفی را میتوان از جمله شاخصترین نویسندگان زن در عرصه داستان‌نویسی معاصر و توجه به دغدغه‌ها و مصائب و مشکلات زنان به شمار آورد. نویسندگانی که در آثار خود جنبه‌های گوناگون و وجوه متفاوتی از شخصیت زنان را به تصویر کشیده‌اند. این فعالیتها سرآغازی برای حضور مستمر زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی بویژه در چند سال اخیر شد که ثمره آن را میتوان در مسائلی چون ارتقای تحصیلات، دست یافتن به مشاغل خارج از خانه، افزایش آگاهی و... مشاهده نمود. داستان اجتماعی معاصر از نویسندگان زن، بازتاب آگاهی، درک و دریافت و بویژه اعتراض نسبت به بسیاری از شرایط ناخوشایند و نامطلوب حجم بسیاری دارد. در این قسمت جهت سهولت درک و دریافت، بنمایه‌های این اعتراضات را با عناوینی مطابق با مفاهیم ایدئولوژیک تقسیم مینماییم تا بتوان به ارائه مفاهیم واژه‌های نشاندار با سهولت بیشتری بپردازیم.

واژه‌های نشاندار اعتراضی

یکی از گسترده‌ترین و برجسته‌ترین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های رمان اجتماعی معاصر با محوریت نویسندگان زنان، موضوع اعتراض است. اعتراض بعنوان گزاره‌ای ایدئولوژیک در رمانهای برگزیده زنان معاصر را میتوان ذیل موارد زیر دسته‌بندی نمود؛ مواردی که در قالب واژگان نشاندار یا خنثی مورد توجه قرار گرفته‌اند. اعتراض به خشونت علیه زنان از پدیده‌ترین بحثهایی است که در رمانهای موردبررسی میتوان به اشکال گوناگون ردپای آن را مشاهده نمود. «خشونت در دوران پیش از کلاسیک، بویژه نزد هومر [شدید بودن نیرو را میرساند. خشونت از سابقه‌های دیرینه برخوردار است و عمر طولانی آن با تمدن انسانی و زندگی بشری پهلو میزند. تعریف خشونت به معنای عام حمله به دیگری است؛ در نتیجه در هر عمل خشنی، مفهوم پرخاشگری مستور است، ولی همه خشونتها الزاماً بصورت پرخاش خودنمایی نمیکند خشونت پدیده‌ای چندبعدی است که کارکردهای منفی بسیاری دارد» (فراپا، ۱۳۹۱: ص ۷). در حوزه خشونت علیه زنان، فمنیستها و برخلاف صنعتگران و لیبرالها معتقدند که خشونت نسبت به زنان در متن وسیعتری از جامعه و به اشکال مختلف اعم از آزار و اذیت جسمی تا تحقیر، تبعیض، فرودست انگاری و... وجود دارد؛ اموری که همگی بر یک نقطه اشتراکی ختم میشوند و آن هم تحقیر زنان نسبت به مردان جامعه (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ص ۲۳۲). در این نظریه‌ها دلیل و انگاره اصلی خشونت علیه زنان، مردسالاری است، چراکه مردان با تصور آنکه جنس برتر هستند، زنان و دختران را در بافت فرهنگی جامعه مورد تحقیر قرار داده و برآیند این مسئله آن است که روشها در ساختار اجتماعی چنین جامعه‌ای فاقد ارزش و اعتبار است. این نوع از خشونت به اشکال گوناگون اعم از آشکار و نهان، میتواند جلوه‌گر باشد: «خشونت آشکار، زمانی رخ میدهد که فرد

با اقتدار بدنی، روانی، اجتماعی و اقتصادی از قدرت خود، عکس‌تماایل دیگری و برای وادار کردن شخص به رفتارهای دلخواه خود استفاده کند. به علت اینکه مردان به منابع اقتدار بیشتری دسترسی دارند، امکان بروز خشونت از جانب آنها بیشتر میشود» (اعزاز، ۱۳۸۰: ص ۲۸).

در نگرش جامعه‌مردسالارانه، مردان نمادی از عقل و خرد هستند و شخصیت‌های زن در جایگاه و رتبه‌ای پایینتری قرار دارند. نویسندگان زن در داستانهای معاصر، با تمرکز بر نقد جامعه‌مردسالارانه که زنان را بعنوان موجودی پست و فرومایه در نظر میگیرند، خشونت علیه زنان را به چالش میکشند. اعتقاد به باورهای پدرسالارانه و مردسالارانه نوعی نگرش سیاسی-اجتماعی را در بر میگیرد که به لحاظ پیشینه تاریخی و تبارشناسی به دوران اساطیری برمیگردد. «تسلط فرهنگ پدرسالاری در گستره وسیعی از جهان، اساطیر و باورهای کهن را به سمت‌وسویی سوق داده که مرد نسبت به زن از جایگاه برتری برخوردار شود. در این اساطیر مرد عنصری اهورایی است و با آسمان در پیوند است و زن عنصری اهریمنی که با زمین ارتباط دارد، از این رو ریشه‌های این نوع نگرش فرهنگی به زنان را باید در سیطره فرهنگ مردسالار جستجو کرد» (ستاری و حقیقی، ۱۳۹۰: صص ۱۱۳ - ۱۱۵). این‌گفتمان را در واژه‌هایی که بعنوان نمونه در رمان «طوبی و معنای شب» اثر شهرنوش پارسی‌پور به کار رفته است میتوان مشاهده نمود. واژه‌هایی که ایدئولوژی غالب بر اندیشه مردان جامعه را به تصویر میکشد. مردانی که زنان را با «دشوایه‌های» زشت و قبیح خطاب میکنند؛ بعنوان نمونه در این رمان، «شاهزاده»، «طوبی» را با عنوان «خلا» خطاب میکند: «باور نمی‌کرد، شاهزاده در تمام این سالها، او را بمثابة خلا فرض کرده باشد. شاهزاده پاسخ داد: چه ما را بیرون پرتاب کرده باشد، چه نکرده باشد، خلاست بعلاوه که خورد» (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۱۲۸).

واژگانی مانند «کم‌عقل» (۱۲۰)، «لچک به سر» (۱۲ - ۱۲۲ - ۱۹۴)، «دست‌وپاچلفتی» (۱۳۲)، «عجوزه» (۷۴)، «پدرسگ» (۳۸۷)؛ «بله» (۲۱۸ - ۲۳۳)؛ «پیرزن هفهفو»، «عجوزه هفت‌هزارساله»، «دیوانه»، «مجنون» (۳۷۶) همگی از جمله واژه‌هایی است که در حق زنان این داستان به کار برده شده است و ایدئولوژی و سبک فکری پدرسالارانه و زن‌ستیزانه را منعکس مینماید. این خشونت گاه از نوع جسمی است. «خشونت جسمانی علیه زنان، برخاسته از نظام مردسالارانه در جامعه است که به مردان، اجازه هرگونه اعمال قدرتی را میدهد. مردسالاری، صورت ایدئولوژیک ستم‌دگی زنان است» (تانگ، ۱۳۹۴: ص ۲۸۹). در نظام سلطه مردان بر زنان، خشونت‌های موجود گاه تا به حد کتک خوردن هم جلوه‌گر شده است، بعنوان نمونه «ترکه بر دست گرفتن حاج محمود برای تنبیه طوبی» (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۳۹).

از نوع ایدئولوژی مردسالارانه‌ای است که نویسنده با توصیف و نقد ضمنی آن قصد به تصویر کشیدن شرایط بد زنان در جامعه را دارد. نمونه‌های دیگری از ایدئولوژی مردسالارانه که در لایه واژگانی متن، انعکاس‌دهنده اندیشه حاکم و موجود بر فضای داستانی نویسندگان زن معاصر است:

«میرزا، اسماعیل را فرستاده بود پی نخود سیاه و با کوبیدن چند کشیده به صورت دخترک، جویای حقیقت شده بود» (همان: ص ۱۸۸).

از دیگر نمونه‌های این آزار و اذیت‌های فیزیکی که در لایه واژگانی کلام انعکاس یافته است میتوان به «مشت کوبیدن» بر سینه طوبی و «افکندن آب دهان» بر وی اشاره نمود: «پسر بچه‌ای بر دستان طوبی آب دهان انداخت» (همان: ۴۰۰).

«با مشت بر سینه طوبی کوبید» (همان).

«مرد خشونت را بعنوان سلاح کاری مبارزه با جوانی و زیبایی او به خود تجویز کرده بود، هرگز کلام مهرآمیزی بر

زبان نمی‌آورد و هرگز، محبت را روا نمیدانست» (همان: ص ۲۲).

حاج محمود برای تحقیر و خوارداشت طوبی حتی موهای او را به «سماور نارنجی» تشبیه میکند (همان: ص ۲۲). حاج محمود برای اعمال خشونت در حق طوبی، او را «نحس»، «بدقدم» و «شوم» میخواند: «اما زن اگر خوش‌قدم باشد، به همراه خود شادمانی و نعمت می‌آورد. با دختر، قحطی و بلا از راه رسیده بود. حاجی از سه کس نفرت داشت: انگلیسها، روسها و از طوبی» (همان: ص ۲۳).

در داستان «کولی کنار آتش» از منیر روانی‌پور دخترکی رقاصه به نام «آینه» که با پدر و نامادری در جنوب ایران زندگی میکند حوادثی را به تصویر میکشد که در آن «زن» تنها و بی‌پناه، قربانی آداب و رسوم جامعه‌ای مردسالار میشود. زنی که با انواع پیشنهادهای نامشروع مواجه است و یا در حال شنیدن متلکهای گوناگون تنها و آواره خیابانهاست (روانی‌پور، ۱۳۹۳: ص ۱۳).

«آهای باجی... قیچی» (همان: ۲۳).

که بر طبق واژه‌نامه کتاب، نویسنده توضیح داده است واژه «قیچی» دشنامی بسیار زشت در حق زنان کولی است. ایدئولوژی ضدزن و پدرسالارانه‌ای که در رمان «کولی کنار کنارش» منعکس شده است، تزلزل خواستگاه و پایگاه اجتماعی زنانی را نشان میدهد که استقلال فکری و شخصیتی آنان از سوی مردان نادیده انگاشته شده است. «آینه» همواره به خواسته‌های پدر تن در میدهد و میپذیرد که تن‌فروشی کند و عواقب ناخوشایند این موضوع را به جان می‌خرد، اما چاره‌ای برای رهایی از این طرز تفکر ندارد؛ زنی که هر زمان مردان قبیله اراده کنند میتوانند او را کتک بزنند، و در این داستان، وقایع حول محور شخصیت اصلی یعنی «آینه» می‌چرخد و میتوان از خلال واژگان موجود، نظر نویسنده را بطور صریح یا پوشیده درخصوص وضعیت فرهنگی جامعه، درک نمود هرچند که واکنش شخصیت اصلی، انفعال و تسلیم باشد:

«رویت سیاه... پدر با جماعتی که روزگاری گفتارها را میزد، به حاجت می‌افتد. [تو را به] سنگلاخ میکشد. روز اول، روز پدر است. میزد تا خسته شود. آنگاه نوبت به مردان قافله میرسد» (روانی‌پور، ۱۳۹۳: ص ۳۴).

چیرگی و تسلط برتری مرد بر زن و عدم آزادی و اختیار جنبش مؤنث در اندیشه پیرزاد نیز کیفیتی مشابه دارد. پیرزاد به قوانین مردسالارانه جامعه خویش و ایدئولوژی حاکم، معترض است:

«مسئله اعتقاد نیست، مسئله خودخواهی است. ما زنها از صبح تا شب باید جان بکنیم که همه چیز برای شما مردها آماده باشد... نه به فکر ما هستید نه به فکر بچه‌ها» (پیرزاد، ۱۳۹۱: ۲۶۲).

درحقیقت ایدئولوژی حاکم بر داستانهای موجود، متأثر از نظام مردسالاری است؛ نظامی که بارها و بارها مورد اعتراض زنان قرار گرفته است و زنان به دنبال راه‌حلی برای نجات و رهایی از این سلطه و محدود ساختن حدود اختیارات بی‌حد و مرز مردان بوده‌اند. رمان «عادت میکنیم»، شخصیت اصلی داستان «آرزو» درنهایت با «طلاق» تصمیم میگیرد از این سلطه رها شود و گاه این اعتراض در قالب «سکوت» نشان داده میشود:

«روزی که شوهرش طلاقش داد، سه دخترش جنجال کردند، سر پیری پسر میخواستند!! اما روشنگر نه فریاد زد و نه گریه کرد، از پله‌ها پایین رفت و وارد زیرزمین شد [او همانجا ماند]» (پیرزاد، ۱۳۸۱: ص ۴۷).

آنچه که تعیین‌کننده ایدئولوژی حاکم در متن است آنکه در پشت محتوای ارائه شده توسط یک واژه معمولاً منافع طبقه حاکم استوار است (بیرو، ۱۳۷۰: ص ۸۶). این مسئله بصورت ایدئولوژی پنهان در واژگانی از زبان «امیر» بعنوان یکی از شخصیت‌های اصلی داستان «پرنده من» اثر فریبا وفی ارائه میشود، قابل توجه است. امیر مردی است که با بی‌اعتنایی و عدم توجه به روحیات همسرش، او را آزرده‌خاطر ساخته و همین موضوع زندگی مشترکشان را

با چالش مواجه ساخته است، در قسمتی از داستان راوی و امیر، تصمیم میگیرند از میان رهگذران پارک، دو نفر را بعنوان آینده‌خودشان به یکدیگر نشان دهند:

«امیر پیرزنی را که به پاکت کاغذی کهنه و مجاله میماند، نشانم میدهد و میگوید بیست سال بعد تو» (وفی، ۱۳۸۱: ص ۱).

بی‌اعتنایی امیر به راوی، او را سرخورده میسازد، چیزی که در تمام گزینه‌هایی از این قبیل در داستان دیده میشود:

«احساس تنهایی و سرخوردگی مثل هوویی فاصله بین من و امیر را اشغال کرد» (وفی، ۱۳۸۱: ص ۱۶).

«انگار برای اولین بار است که با واقعیت زندگی روبرو میشوم؛ انگار تنها امشب قادر هستم مزخرفاتی مانند زندگی مشترک و کانون گرم خانه و کوفت و زهر مار را دور بریزم» (همان: ص ۱۱۵).

ایدئولوژی در لایه نحوی

همانگونه که گفته شد «علاوه بر سطح واژگانی، ساختارهای نحوی در سخن ایدئولوژیک، اهمیت خاصی دارند. ایدئولوژی خود را بر روابط نحوی کلمات تحمیل میکند و نوع خاصی از گرامر را نیز برمیگزیند. البته این تحمیل صریح و آشکار نیست» (فتوحی رودمجنی، ۱۳۹۰: ص ۳۵۸). در وجه ایدئولوژیک براساس لایه نحوی برخی از عناصر شدت و تأثیر بیشتری دارند «صفت‌های تفصیلی و عالی برای ترجیح نگرگاه خودی بر غیرخودی، عناصر تأکیدی مانند مترادفات، تکرار، قیدهای تأکید و انحصار و قطعیت، وجه امری و التزامی که متضمن ملتزم ساختن اعضا به اصول عقاید است، وجه پرسشی با محتوای نفی و انکار [استفهام انکاری] به قصد تأکید» (همان: ص ۳۵۹ - ۳۶۰). به هر ترتیب «اگر بپذیریم که زبان یک سرمایه همگانی است و سیاه‌های از امکانات معین را فراهم می‌آورد که هر کسی بسته به نیازهای خود از این سرمایه سود میجوید، [آنگاه] چیزی که سبک‌ساز خواهد شد نحوه کاربرد این امکانات همگانی است. به عبارت دیگر از رهگذر همین سرمایه همگانی و در پرتو گزینش عامدانه و همسو با ذهنیات مؤلف است که شاهد پیدایش سبک‌های متفاوت هستیم» (دلبری و مهری، ۱۳۹۴: ص ۷۱). بحث از لایه نحوی در بر طبق ایدئولوژی موجود در متن، وجوه فعل، افعال و زمانها، تکرارها، قیدها و سنتها همگی تأثیرگذار هستند؛ عناصری که همگی در محور همنشینی به ایفای نقش میپردازند. درنگ کوتاه در داستانهای موردبررسی، نشان میدهد که نویسندگان موردنظر جملات را اغلب با اطناب و طول تفصیل مورد توجه قرار داده‌اند. صرف‌نظر از این مسئله که این نوع ساخت نحوی تابعی از شرایط اغلب متون داستانی است، نباید این مسئله را نادیده گرفت که «طول جمله نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد» (فتوحی رودمجنی، ۱۳۹۰: ص ۲۵۷). به نظر میرسد نویسندگان زن با جملات طولانی و بهره‌گیری از اطناب در ساختار نحوی کلام به دنبال شرح بهتر، بیشتر و تأکیدی از عواطف، احساسات و هیجانات درونی خود نسبت به جامعه و محیط پیرامون هستند؛ جامعه‌ای که در آنها همواره مرد و دیدگاه او نسبت به زن، دغدغه اصلی است؛ نمونه‌هایی از اینگونه جملات را میتوان در رمان «پرنده من» فریبا وفی مشاهده کرد. راوی، از احساس خود نسبت به همسرش چنین میگوید:

«از اینکه این همه از او سیرم احساس گناه میکنم. ای بر پدر این احساس که هر جا میروم با من می‌آید و از خواهر به من نزدیکتر است. امیر به خیالش هم نمیرسد که اینقدر انگار برای اولین بار است که با واقعیت زندگی روبرو میشوم. انگار تنها امشب قادر هستم مزخرفاتی مانند زندگی مشترک و کانون گرم خانه و کوفت و زهرمار را دور بریزم و تعریفهای خودم ابداع کنم» (همان: ۱۵).

روایت‌هایی که بیشترین تأکیدشان بر تنهایی، انزوا، سرخوردگی، بی‌هویتی، نفرت از نظام مردسالاری و... است:

«زن جوان حامله‌ای با چند حوله توی دست، از وسط سالن میگذشت که یکهو ایستاد، دست گذاشت روی شکم و گفت آی...! صندوقدار برگشت پشت میز: مرتیکه... بابای مریم و ننه غرغروش را آورده انداخته سر این بیچاره هر روز هم توقع پلو خورشت برای خودش داره آش و کباب برای باباش» (پیرزاد، ۱۳۸۵: ص ۲۴۱).

این ساختار نحوی که با اطناب بیان میشوند بنوعی منعکس‌کننده حالات و درد ودلهای زنانی است که حقوق آنها از سوی جامعه نادیده گرفته شده است:

«زمان شما مرد میرفت کار میکرد پول می‌آورد و تو فقط میزایدی و میپختی و زفت و روب میکردی. مجبور نبودی مثل ما صبح تا عصر بیرون خونه جون بکنی و خونه هم که آمدی بساب و بمال...» (همان: ص ۱۵۷).

«آرزو لیوان را روی میز گذاشت و چشمهایم پر از اشک شد، نمیدانم چه مرگم شده، خسته‌ام، بیحوصله‌ام، تحمل کم شده، این دخترم و این از مادرم، ده انگشت غسل بمالم بکنم دهن این دو تا، عوض تشکر گاز میگیرند» (همان: ۲۹).

در رمان کولی کنار آتش، «آینه» شخصیت اصلی داستان دل به مرد نویسنده‌ای مینهد و برای به دست آوردنش از هیچ کاری فروگذاری نمیکند، اما بعد از مدتی بیکباره مرد نویسنده، بی نام و نشان میرود و آینه میماند و بحرانی بزرگ از ظلم مرد به او و شکست عشقی؛ نویسنده بخوبی توانسته اهمیت و بزرگی این واقعه را در قالب روایتی مفصل در این جملات بیان کند:

«دستت را توی هوا تکان میدهی، مشتاق و بقرار هوای خودت را میشنوی، منم! مرد دو ساعد روی نرده‌ها میگذارد، بیشتر خم میشود، خوب نگاه میکند و آهسته میگوید. رفت. انگار بر لبه پرتگاهی ایستاده‌ای، پاهایت همچون دو ساقه باریک خیزران در باد میلرزند. به بالا نگاه میکنی، شاید کس دیگری را ببینی، صدای دیگری را بشنوی اما دیگر کسی نیست» (روانی‌پور، ۱۳۹۳: ص ۴۹).

مثالی دیگر از رمان «طوبی و معنای شب» و کار کردن زن، که گویا عملی مختص مردان است سبب سرافکندگی خانواده میشود تا جایی که کار کردن شخصیت زن داستان «مونس» تا سطح هزینه‌گردی تنزل مییابد؛ نویسنده این مسئله را در ساختار نحوی جمله با طول و تفصیل بیان میکند:

«خواهر و برادر، مرتب دعوتش میکردند تا شوهر جدیدی برایش بیابند. از کارکردنش سرافکننده بودند و با شرمندگی برای داوطلبان ازدواج توضیح میدادند که خواهرشان البته سنت‌شکن است» (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۲۵۴).

از نظر نحوی جملاتی با ساختهای همپایه و بدون پیچیدگی که در مجاورت یکدیگر مینشینند در سخنان زنان زیادتار از مردان است (ر.ک. فتوحی، ۱۳۹۰: ص ۴۰۷). «پیوند جمله‌های متن در نوشتار زنان بیشتر از طریق همنشینی و مجاورت صورت میگیرد و میزان پیوندهای دستوری و جمله‌های وابسته که دارای بند پایه و پیرو هستند در اینگونه جملات اندک است» (همان). نمونه‌هایی از این قبیل جملات را میتوان در مثالهای زیر مشاهده نمود:

«جوان همانجا نشست و تکان نخورد و زن روی صندلی چرخدار نشسته بود و میخندید و چشمانش برق میزد» (روانی‌پور، ۱۳۸۲: ص ۱۴۴).

«مادرم آماده بود دوباره گریه کند. پدرم بیخیال از پنجره به بیرون نگاه میکرد» (پارسی‌پور، ۱۳۸۲: ص ۳۲).

حذف فعل و جملات مقطع و بریده در ساختار نحوی

به نظر میرسد زنان در ارتباط کلامی خویش، بیش از مردان به منظور نشان دادن ایدئولوژی و اندیشه خود، از نشانه‌های غیرکلامی بهره میبرند. این علائم اعم از لحن، آهنگ کلام، حرکات دست، سر و غیره که در نوشتار

بصورت سکوت، استفاده از سه نقطه یا خط تیره هویدا میشود. جملات بدون فعل نشانه‌ی علاقه‌ی نویسنده به سکوت و عدم ابراز مسائل قابل تأمل است:

«اصلاً تقصیر کلاریس بود که...» (پیرزاد، ۱۳۹۱: ۶۲).

«گاهی وقتاً فکر میکنم نکند...» (وفی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

قیده‌ها، صفتها و وجوه افعال فیزیکی دیگر از دلالت‌های نحوی است که متن در اختیار مخاطب قرار میدهد تا با مذاقه‌ی آن از نیات، اندیشه و ایدئولوژی نویسنده آگاهی یابد. در داستانهای موردبررسی نیز میتوان نمودهایی از «وجهیت یا مدالیته یکی دیگر از کانونهای بازتاب ایدئولوژی نویسنده در نحو است که بیشترین نمود آن در فعل، قید و صفت دیده میشود. وجهیت فعل، صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال امر، آرزو، تمنا، تأکید، امید و برخی امور دلالت میکند» (دلیری و مه‌ری، ۱۳۹۴: ص ۷۲). در میان وجوه مختلف فعل، بیشترین نمود و ایدئولوژی نویسنده، در وجوه التزامی و امری پنهان است:

«نمیتوانم فی‌البداهه کاری بکنم... باید امیر را وادار بکنم تا درکم کند» (وفی، ۱۳۸۱: ص ۱۳).

تحلیل ایدئولوژی در لایه‌ی بلاغی

عناصر بلاغی یکی دیگر از عرصه‌هایی است که نویسنده یا هنرمند به کمک آن به انتقال سبک ایدئولوژیکی خویش در جهان داستان می‌پردازد. حوزه‌ی بلاغت، حوزه‌ی زیبایی‌آفرینی است که میتوان آن را یکی از کارآمدترین حوزه‌ها در انتقال ایدئولوژی متن به حساب آورد. در هر اثر بسته به میزان قدرت تخیل صاحب اثر، خواننده با عناصر بلاغی متفاوتی مواجه است. آنچه که مشخص است رمانهای مذکور آثاری روایی از مشکلات زنان، روحیات، عواطف، دغدغه‌ها، شادیه‌ها و غمهای آنان است که ویژگیهای ساختاری خاص خود را می‌طلبد؛ و بالطبع نمیتوان در یک رمان معاصر، آنگونه که از شعر انتظار میرود، به دنبال خیال‌پردازی و صنعت‌آفرینی بود اما به نظر میرسد این هنرمندان به فراخور، هر جا که اقتضای کلام و اندیشه‌ی مجالی داده است، به تصویرپردازی و صنعتگری روی آورده باشند و از کاربردهای بلاغی به منظور زیباسازی کلام و یا رسانندگی مفهوم بهره گرفته باشند؛ بعنوان مثال نمونه‌هایی از این تصویرپردازیها:

«من گنگ و گیج، در کنار حسین مینشستم و با تمام وجودم به حرفهای او گوش میدادم» (پارسی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

«جا خوردم و احساس تنهایی و سرخوردگی مثل هوویی فاصله بین من و امیر را اشغال کرد» (وفی، ۱۳۸۱: ص ۱۶).

در مثال یادشده تشبیهی که راوی از احساس تنهایی و فاصله‌ی ایجادشده میان وی و همسرش بیان میکند، قابل توجه است.

«این قدر از او سیر شده باشم» (همان: ۵۹).

«سیر شدن» کنایه‌ای است از دلزدگی و احساس عدم رغبت راوی نسبت به همسرش. نظرگاه ایدئولوژیک نویسندگان زن در این داستانها گاه بسیار قاطعانه است. کارکرد آرایه‌های بلاغی در این داستانها در خدمت آنچه که در زمینه‌ی سلطه‌ی ایدئولوژیک اندیشه بر متن تأثیرگذار است، احساس استقلال‌طلبی زنان نسبت به مردان است؛ زیرا از «وفی» این ایدئولوژی در قالب صنعت «حس‌آمیزی» بخوبی مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده از اینکه میتواند در خانه‌ای که آن را با رنج و زحمت در زندگی مشترکشان خریده‌اند، سهمیم باشد و خود را مالک آن بداند،

احساس لذت و شادی بی‌حد و حصری دارد؛ نویسنده که از سالها زندگی زناشویی و عدم استقلال مالی و سهم نبودن در حق و حقوقی که ناعادلانه تقسیم شده است بشدت رنج میبرد، آنگاه که احساس میکند صاحبخانه شده است و ملکی که با زحمت تهیه نموده، بالاخره از سوی همسر، به نامش میشود میگوید:

«مردی که بعدها مدیر ساختمان میشود، از همه میخواهد برای آشنا شدن با هم بگویند مالک هستند یا مستأجر؟ نوبت به من میرسد؛ میگویم مالک و تعجب میکنم از طعم شیرین آن» (وفی، ۱۳۸۱: ص ۱۳).

رابطه سرد زناشویی، بنوعی میان زن و شوهر طلاق عاطفی ایجاد کرده است. اگر بپذیریم که زبان بخوبی میتواند ایدئولوژی متن را منعکس نماید آنگاه در عبارت:

«امیر به تلنگری بند است که حرفهایش سرریز کند؛ بیحرف به حیاط خلوت میروم» (همان: ۱۳۰).

در عبارت «امیر به تلنگری بند است» کاربرد کنایی موجود در جمله، بخوبی نشانگر شرایط روحی میان راوی و همسرش و ناراضی‌تی راوی از وضع پیش‌آمده است، این‌گونه عبارات تا حدود بسیار زیادی سردی روابط عاطفی و سست شدن بنیان خانواده را در ذهن نویسنده نشان میدهند. اختلافی که میان راوی و همسرش وجود دارد، سبب میشود که جملات بصورت ناخودآگاه در ساختاری کنایی یا تشبیهی و استعاری با بارمعنایی منفی به زبان آورده شوند. بی‌شک این نوع از کاربرد بلاغی، منعکس‌کننده اندیشه و جهان‌بینی موجود در فضای داستان است.

«ما زنها از صبح تا شب باید جان بکنیم که همه چیز برای شما مردها آماده باشد که به خیال خودتان دنیای بهتری بسازید؛ نه به فکر ما هستید نه به فکر بچه‌ها» (پیرزاد، ۱۳۹۱: ص ۲۶۲).

کنایه «از صبح تا شب جان کندن» یکی از اهداف به‌کارگیری ایدئولوژیک این کنایه است که نویسنده به آن توجه نموده و برای اتصال اندیشه خود به آن متوسل شده است. کارکرد این کنایه بیان غیرمستقیم ناخشنودی و ابراز ناراضی‌تی راوی از وضعیت خود بعنوان همسر در زندگی مشترک است. از رهگذر این تصاویر بلاغی، تصاویر واضحی از اندیشه و ایدئولوژی این نویسندگان ارائه میشود که هر یک گویای توصیفی از ذهنیت زنان نسبت به جهان مردانه پیرامون است. بی‌شک اندیشه زن‌ستیزانه‌ای که در قالب تحقیر او، خانه‌نشینی، تبعیض، ازدواج اجباری و ده‌ها شکل دیگر از این بیل در میان سنت فکری نویسندگان زن در چند دهه اخیر بویژه، مورد توجه قرار گرفته است ذهن خواننده را در کشاکش عبارات و جملاتی تصویرساز به چالش میکشد. نویسندگانی که زیرکانه و آگاهانه فضای موجود را به بوتۀ نقد میکشند؛ بعنوان نمونه در رمان «چراغها را من خاموش میکنم» شخصیت اصلی داستان «المیرا» عاشق جوان شاعری میشود که ثروت و اندخته‌ای ندارد. پدر با ازدواج او مخالفت میکند و دختر مجبور به ازدواج ناخواسته با فردی دیگر میشود که هیچ علاقه‌ای به او ندارد:

«پدرم گفت شاعر به درد زندگی نمیخورد. گفت شاعر به درد زندگی نمیخورد. گفت به خاطر ثروتم میخواد با تو ازدواج کند. گفت کسی عاشق دختر کوتوله نمیشود ولی شوهرم و پدرم عاشق شدند» (پیرزاد، ۱۳۹۱: ص ۱۴۸).

در مثال یادشده، «شوهرم و پدرم عاشق شدند» با غافلگیر کردن مخاطب به موضوع ازدواج اجباری و ناراضی‌تی از شرایط و وضع موجود اشاره میکند. و یا تصویری از سرنوشت شخصیت اصلی داستان در رمان «کولی کنار آتش»: «پدر موهابیت را دور دست میپچاند تو را تا میدانگاه رو سنگ و لاج میکشد» (روانی‌پور، ۱۳۹۳: ص ۸۰).

«دور دست پیچاندن مو و روی سنگلاخ کشاندن» تصویری کنایی از تحقیر، ضرب و شتم و توهین در حق دختری است که در نظام خانوادگی مردسالار محکوم به روزمرگی است. توصیفی که نویسنده از شرایط داستان ارائه داده است، توصیفی بلاغی است. توصیفاتی که هر کدام کارکرد ویژه خود را میطلبند. در داستانهای پیش‌روی ما و

بخصوص در مثالهای مورد بحث که ذکر خواهد شد، توصیف مقدمه‌ای است برای بیان عقاید نویسنده و ایدئولوژی او:

«زندگیش مثل خطی صاف، مثل کامورای بافتنی که الان دراز به دراز روی قالی افتاده بود، سی سال بود که سالهایش شبیه هم بود. همه ماه و روزش بی هیچ دگرگونی، بی هیچ اتفاق، از این بابت گله نداشت» (پیرزاد، ۱۳۸۵: ص ۲۰).

در این مثال نیز توصیف در قالب «تشبیه» عنصر بلاغی است که تصویرساز شده است. «به چشم آبادی، ستاره زنی است که نمیخواست بیرنج و زحمت لقمه‌ای نان از سر سفره دیگری به دندان بگیرد» (روانی پور، ۱۳۷۰: ص ۱۶۴).

«زنی که جز مشتی کاغذ آهی نداشت و آن کاغذها را هم یکروز خواهرانش به دست آتش سپردند تا از آن پس معقول و سربره‌راه مثل همه زندهای عالم زندگی کند» (همان: ص ۱۲۴).

نتیجه‌گیری

در کلام ادبی، واژه‌ها را میتوان بمتابۀ نشانه‌هایی فرض کرد که شاخص ارزشی، هویتی و بار معنایی دارند. نشانه ایدئولوژیکی ارتباطی میان صورت و محتوا (دال و مدلول) را بصورت پیوندی ناگسستنی برقرار مینماید. بنابراین متن را میتوان گفتمان هنری میان آفریننده اثر و خواننده یا مخاطب به شمار آورد. این گفتگو درحقیقت بین جهان متن و جهان خواننده است و بصورت حرکت زنده و پویاست که هر چقدر هنرمند تلاش نماید خود را در پشت آن پنهان کند، اما باورها، اعتقادات و ارزشها و اندیشه‌اش از لابلای لایه‌های مختلف از جمله واژگان، خودنمایی خواهد کرد. با توجه به آنچه که مطرح شد میتوان ادعان داشت ادبیات و از جمله داستان و رمان میتواند آینه‌ای تمام‌نما و گویا از اندیشه‌ها، باورها و عقاید و ایدئولوژی حاکم بر جامعه و اذهان نویسندگان و هنرمندان باشد که بصورت خودآگاه و ناخودآگاه این ایدئولوژی در آثار داستانی و لایه‌های مختلف یک اثر بازتاب مییابد. گزارشی که نویسندگان زن ادبیات معاصر در دوره مورد بررسی یعنی دهه ۸۰ تا ۹۰ شمسی از وضعیت زنان در قالب روایت و برجسته‌سازی نقش زن رمان ارائه داده‌اند حاکی از آن است که متون مورد بررسی از جمله آثار گزیده‌ای از فریبا وفی، زویا پیرزاد، شهرنوش پارس‌پور و منیرو روانی‌پور از ایدئولوژی نویسنده تأثیر پذیرفته‌اند و کیفیت و کمیت آن بصورت متفاوت و متغییر اما در لایه‌های مختلف سبکی هر یک از آثار بازتاب داشته است. از خوانش داستانهای مورد بررسی این نتیجه حاصل میشود که گزینش واژگان بصورت بسیار قابل توجهی تحت تأثیر ایدئولوژی کلام میباشد. پس از حوزه واژگان، مشاهده میکنیم که نحو کلام و لایه بلاغی نیز تحت تأثیر مستقیم ایدئولوژی قرار گرفته است. حوزه نحو، واژگان و بلاغت هر سه تا حدود یکسانی مجال بروز و ظهور یافته‌اند و با وجود آنکه این آثار، آثار داستانی و رمان میباشند و طبیعتاً عرصه خیال‌پردازی تصویری در آنها چندان حائز اهمیت نیست - برخلاف شعر - اما با بررسیهای به عمل آمده متوجه میشویم که کنایه‌ها و تشبیهات قابل توجه، زیبا و رسایی در توصیف شرایط زنان در آثار یادشده بصورت هنرمندانه‌ای به کار گرفته شده است.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار استخراج شده است. آقای دکتر سیدعلی اکبر شریعتی‌فر راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه

و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر سعید روزبهانی بعنوان مشاور و سرکار خانم فاطمه حسن‌زاده پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از متولیان امر آموزش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار و همکاران گرامی نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ezazi Shahla (2001). family violence; Beaten women. Tehran: Sali, p. 28.
- Eagleton. Terry (2004). Marxism and literary criticism. Translation: Akbar Masoom Begi. Tehran: Digar, p. 75.
- Abbott. Pamela and Wallace. Keller (2010). Sociology of women. Translation: Manijeh Najm Iraqi. Tehran: Nei, p. 232.
- Aghagolzadeh. Ferdows (2006). Critical discourse analysis. Tehran: Scientific and Cultural, p. 183.
- Bart. Roland (2008). Zero grade of writing. Translation: Shirindokht Dakhiyan. second edition. Tehran: Bozorgmehr, pp. 97-98.
- Biro. Alen (1991). Social science culture. Translation: Bagher Sarukhani. Tehran: Kayhan, p. 86.
- Parsipour. Shahrnoush (2003). Dog and long winter. Tehran: Markaz.
- Parsipour. Shahrnoush (2018). Tubi and the meaning of the night. Tehran: Markaz
- Pirzad Zoya (2002). Three books. Tehran: Markaz.
- Pirzad Zoya (2004). We get used to it. Tehran: Markaz.
- Pirzad Zoya (2012). I turn off the lights. Forty-second edition. Tehran: Sa'di.
- Tang. Rosemary (2014). A comprehensive introduction to feminist theories. Translation: Manijeh Najm Rast. Tehran: Nei, p. 289.
- Khodabakhsh Nejad. Mehrangiz and others (2017). Layered stylistics of Surah Mubarakah Naba (syntactic, phonetic, lexical layer). Scientific-Research Quarterly of Literary-Quranic Researches. sixth year Number two. pp. 161-137. Beshler. Jean (1991). What is ideology? A critique of Western ideologies. Translation: Ali Sidi. Tehran: Sohami Publishing, p. 7.

- Darpar. Maryam (2013). Layered stylistics: description and explanation of the style of Ghazali's letter No. 1 in two layers of words and rhetoric. *Literary Quarterly*. No. 27. pp. 115-136.
- Ravanipour. Moniro (1991). *maid servant* Third edition. Tehran: Nilofar.
- Ravanipour. Moniro (2003). *steel heart* Tehran: Ghesseh.
- Ravanipour. Moniro (2012). *drowned* Tehran: Ghesseh.
- Ravanipour. Moniro (2013). *Gypsy by the fire*. Tehran: Markaz.
- Satari Jalal (2011). *The face of women in Iranian culture*. Sixth edition. Tehran: Markaz, p. 93.
- Satari Reza and Haghigi. Marzieh (2015). Deep construction of patriarchal myth in the marriages of Iranians with Niranians. *Mystical and mythological literature quarterly*. (42) 124. pp. 107-151.
- Shamisa. Cyroos (2013). *Generalities of stylistics*. fourth edition. Tehran: Mitra, pp. 143-143-15.
- Alavi Moghadam. Mahyar and others (2017). The function of the ideological layer in highlighting the style of contemporary social sonnets. *Contemporary Persian literature*. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. seventh year Number two. pp. 217-244.
- Alinaghi. Hossein and Mohseninia. Nasser (2019). *The course of poetry criticism in Iran from the Constitution to 1953 AH*. Tehran: Rozaneh, p. 301.
- Gholamrezaei. Muhammad (2012). *Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamlu*. fourth edition. Tehran: Jami, p. 8.
- Fatuhi Rood Majani. Mahmoud (2011). *Stylistics, theories, approaches and methods*. Tehran: Sokhan, pp. 350-354-359-360-358-356-346-360-361-407-25-27-237-122-35-92.
- Fraya. Helen (2012). *Violence in the history of philosophical thought*. Translation: Abbas Bagheri, third edition. Tehran: Farzan Rooz, p. 7.
- Mehri Fariba and Delbari. Hassan (2014). The function of ideology in the stylistic layers of Hasnak Vazir's story. *Textology of Persian literature*. Faculty of Literature and Human Sciences, University of Isfahan. New period. Number 2. Serial 26. pp. 63-78.
- Noori Kizghani. Mehri and others (2021). Analysis of the layered structure of Surah Malik from the perspective of layered stylistics [phonetic, lexical, semantic and rhetorical]. *Stylistic studies of the Holy Quran*. fifth year Number two. Series 9. pp. 124-141.
- Wafi. Fariba (2006). *Dream of Tibet*. second edition. Tehran: Markaz.

فهرست منابع فارسی

اعزازى. شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی؛ زنان کتک خورده*. تهران: سالی، ص ۲۸.

ایگلتون. تری (۱۳۸۳). مارکسیسم و نقد ادبی. ترجمه: اکبر معصوم بیگی. تهران: دیگر، ص ۷۵.
آبوت، پاملا و والاس. کلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نی، ص ۲۳۲.
آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۸۳.
بارت. رولان (۱۳۷۸). درجه صفر نوشتار. ترجمه: شیریندخت دقیقیان. چاپ دوم. تهران: بزرگمهر، صص ۹۷ - ۹۸.
بیرو. آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: کیهان، ص ۸۶.
پارسی‌پور. شهرنوش (۱۳۸۲). سگ و زمستان بلند. تهران: مرکز.
پارسی‌پور. شهرنوش (۱۳۹۸). طوبی و معنای شب. تهران: مرکز.
پیرزاد. زویا (۱۳۸۱). سه کتاب. تهران: مرکز.
پیرزاد. زویا (۱۳۸۳). عادت میکنیم. تهران: مرکز.
پیرزاد. زویا (۱۳۹۱). چراغها را من خاموش میکنم. چاپ چهل و دوم. تهران: سعدی.
تانگ. رزمی (۱۳۹۴). درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه: منیژه نجم راست. تهران: نی، ص ۲۸۹.
خدابخش نژاد، مهرانگیز و دیگران (۱۳۹۷). سبکشناسی لایه‌های سوره مبارکه نبا (لایه نحوی، آوایی، واژگانی). فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی. سال ششم. شماره دوم. صص ۱۳۷ - ۱۶۱. بشلر. زان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی. ترجمه: علی سیدی. تهران: سهامی انتشار، ص ۷.

درپر. مریم (۱۳۹۳). سبکشناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین یافت‌مند سبک نامه شماره ۱ غزالی در دو لایه واژگان و بلاغت. فصلنامه ادب پژوهی. شماره ۲۷. صص ۱۱۵ - ۱۳۶.
روانی‌پور. منیرو (۱۳۷۰). کنیزو. چاپ سوم. تهران: نیلوفر.
روانی‌پور. منیرو (۱۳۸۲). دل فولاد. تهران: قصه.
روانی‌پور. منیرو (۱۳۹۱). اهل غرق. تهران: قصه.
روانی‌پور. منیرو (۱۳۹۳). کولی کنار آتش. تهران: مرکز.
ستاری. جلال (۱۳۹۰). سیمای زن در فرهنگ ایران. چاپ ششم. تهران: مرکز، ص ۹۳.
ستاری. رضا و حقیقی. مرضیه (۱۳۹۵). ژرف ساخت اسطوره‌های پدر سالاری در ازدواج‌های ایرانیان با نیرانیان. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. (۴۲) ۱۲۴. صص ۱۰۷ - ۱۵۱.
شمیسا. سیروس (۱۳۹۳). کلیات سبکشناسی. چاپ چهارم. تهران: میترا، صص ۱۵ - ۱۴۳ - ۱۴۴.
علوی مقدم. مهیار و دیگران (۱۳۹۷). کارکرد لایه ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبکی غزل اجتماعی معاصر. ادبیات پارسی معاصر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال هفتم. شماره دوم. صص ۲۱۷ - ۲۴۴.

علینقی. حسین و محسنی‌نیا. ناصر (۱۳۹۹). سیر نقد شعر در ایران از مشروطه تا ۱۳۳۲ ه. ق. تهران: روزنه، ص ۳۰۱.

غلامرضایی. محمد (۱۳۹۱). سبکشناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. چاپ چهارم. تهران: جامی، ص ۸.
فتوحی رود معجنی. محمود (۱۳۹۰). سبکشناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها. تهران: سخن، صص ۳۵۰ - ۳۵۴.
- ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۵۸ - ۳۵۶ - ۳۴۶ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۴۰۷ - ۲۵ - ۲۷ - ۲۳۷ - ۱۲۲ - ۹۲ - ۳۵.

فراپا. هلن (۱۳۹۱). *خسونت در تاریخ اندیشه فلسفی*. ترجمه: عباس باقری چاپ سوم. تهران: فرزانه روز، ص ۷.
مهري. فريبا و دلبري. حسن (۱۳۹۴). کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر. *متن‌شناسی ادب فارسی*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره جدید. شماره ۲. پیاپی ۲۶. صص ۶۳ - ۷۸.
نوری کیدقانی. مهري و دیگران (۱۴۰۰). تحلیل ساختار لایه‌ای سوره ملک از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای آوایی، واژگانی، معنایی و بلاغی. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*. سال پنجم. شماره دوم. پیاپی ۹. صص ۱۲۴ - ۱۴۱.

وفی. فريبا (۱۳۸۵). *رؤیای تبت*. چاپ دوم. تهران: مرکز.

منابع لاتین

1. Simpson. Paul (2004). *stylistics: A resource Book For students*. Routledge. London.

معرفی نویسندگان

فاطمه حسن‌زاده: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.
(Email: f.hassanzadeh@gmail.com)

سید علی اکبر شریعتی‌فر: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.
(Email: shariatifar@iaus.ac.ir: نویسنده مسئول)

سعید روزبهانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.
(Email: roozbahani@iaus.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Fatemeh Hassanzadeh: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
(Email: f.hassanzadeh@gmail.com)

Seyyed Ali Akbar Shariatifar: Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
(Email: shariatifar@iaus.ac.ir: Responsible author)

Saeed Roozbahani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.
(Email: roozbahani@iaus.ac.ir)